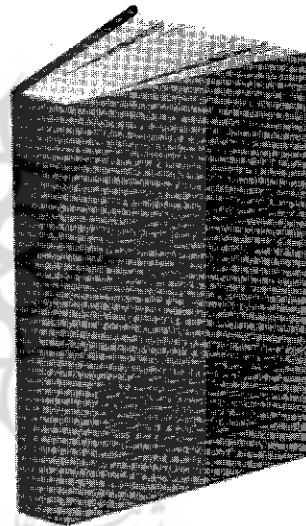


# ایران در سفرنامه آیوز

• دکتر عبدالرسول خیراندیش  
عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز

داده و کتابی دو جلدی درباره آن فراهم آورده است. آیوز در مقدمه اثر خویش از دوستان و کسانی که در انجام پذیرفتن این سفر به او کمک کرده بودند تشکر می‌کند و در دنباله دو جلدی بودن سفرنامه خود را یادآوری می‌نماید. جلد اول سفرنامه آیوز شرح مسافرت دریایی او از انگلستان به هند و سپس از هند به بصره است. جلد دوم شرح مسافرت زمینی او از بصره به طرف انگلستان به شمار می‌آید. در این دو جلد او ضمن بیان مشاهدات خود و اقداماتی که انجام داده است به توصیف اوضاع طبیعی مناطق مختلف نیز علاقه نشان می‌دهد. چنان که درباره گیاهانی که دیده است توضیحات جالبی ارائه می‌کند. به همین جهت سفرنامه آیوز علاوه بر فواید تاریخی، دربردارنده اطلاعات مفید گیاه‌شناسی و جغرافیایی نیز هست. در فصل اول کتاب آیوز شروع سفر خود از ۲۲ فوریه سال ۱۷۵۴ م. (برابر با سال ۱۱۶۱ هـ. ق) را توضیح می‌دهد. در حالی که در مقدمه از سال ۱۷۴۹ و صلح اکس لاشاپل (Aixlachapel) (۸۴۷۱ م) سخن می‌گوید و این نشان می‌دهد که سفر او با مسئله جنگ‌های هفت ساله (۱۷۶۳-۱۷۵۶ م.) مرتبط بوده است.



- A Voyage from England to india
- Author: Edward ives
- Publisher: Edward and Charles Dilly, london

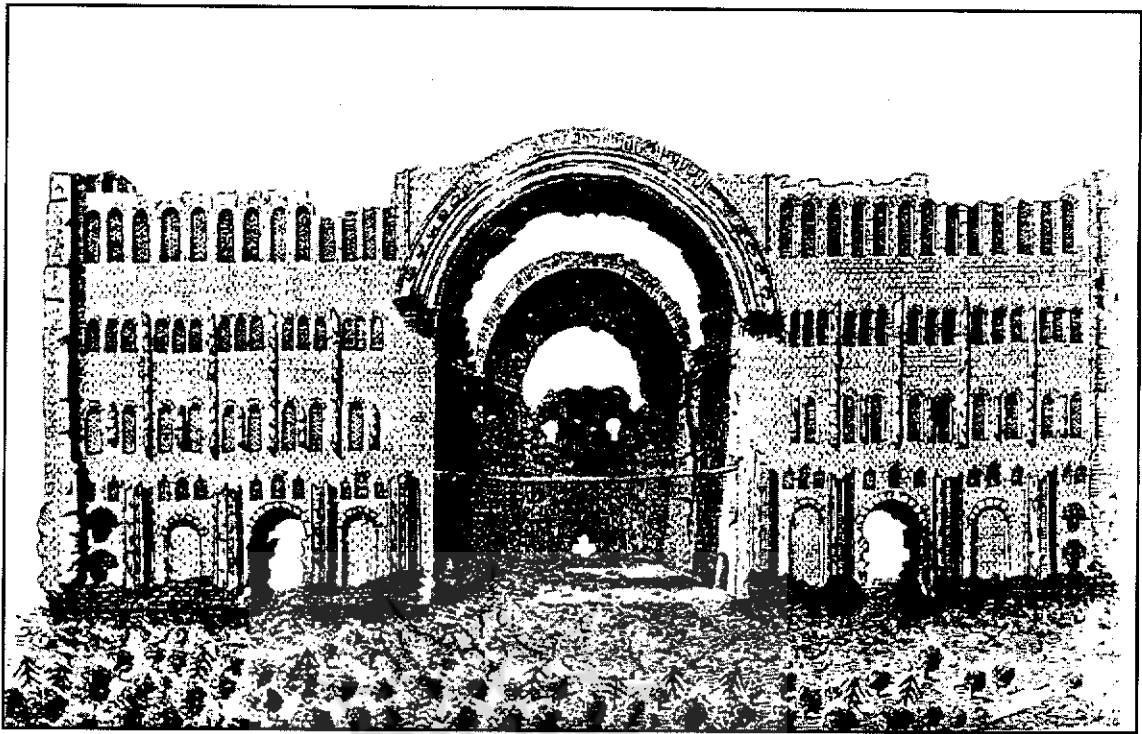
## طرح کلی کتاب

عنوان سفرنامه آیوز Ives اگر به طور کامل نوشته شود در حدود سی سطر است. برای اطلاع از نام کامل این سفرنامه تصویری صفحه عنوان آن نیز ضمیمه شده است. اما به صورت اشاره چنین است:

«سفر از انگلستان به هند... و سفر از ایران به انگلستان از طریق غیرمعمول...»

ادوارد آیوز در اواسط قرن هجدهم مسافرت خود را انجام

با این حال اولین مکان جغرافیایی که او توصیف کرده، جزیره ماداگاسکار است که در فصل دوم بدان می‌پردازد. در همین فصل او چگونگی ورود خود به بمبئی را نیز بیان می‌کند. سپس در فصول سوم و چهارم به توضیح درباره بمبئی می‌پردازد. فصل پنجم اختصاص به بندر مدرس Madrass دارد. در فصل ششم بندر ترینکومالی Trincoconmale و در فصول هفتم تا سیزدهم اوضاع بندر کلکته و بنگال را شرح می‌دهد تا آن که در فصل چهاردهم و در ادامه سفر خویش با رسیدن به بندر عباس (گمبرون) گزارش او درباره ایران آغاز می‌گردد. این فصل که آخرین فصل از جلد اول نیز هست؛ آیوز از راه دریایی خلیج فارس از بندر عباس به بصره رفته است که در ادامه این مقاله آن را با تفصیل بیشتری به عرض خواهیم رساند. لذا جهت دریافت طرح کلی سفرنامه او، ادامه سفر وی به سوی انگلستان را توضیح می‌دهم.



در فصل اول از جلد دوم آیوز می‌نویسد که در سال ۱۷۵۸ در بصره بوده است. در همین فصل به توضیح درباره بصره می‌پردازد و در فصل دوم مسافرت خویش از بصره به بغداد در امتداد ساحل فرات را توضیح می‌دهد. فصل سوم درباره مشاهدات او در اطراف بغداد است. از جمله آن که شرح و تصویر بسیار جالبی از ایوان مداین به دست می‌دهد. براساس این تصویر تا آن زمان (۱۸۵۷ م.) هنوز قسمت عمده‌ای از ایوان مداین برپا بوده است (p.288-290).

«گزارش آیوز از خلیج فارس»

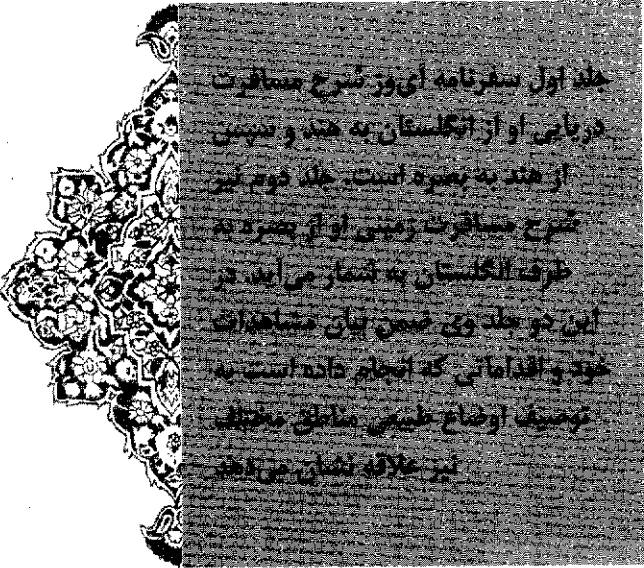
روز ۱۴ فوریه ۱۷۵۸ م. (۱۱۷۲ هـ. ق.) از سورات surat گذشتیم. اینجا پیش از این پرجمعیت بود و دیواری به درازای سی مایل برگرد آن وجود داشت. چندین قلعه قدیمی نیز به دفاع آن کمک می‌کرد. سورات در پادشاهی گجرات Gozarat قرار دارد که تابع دولت مغولان کبیر Great Mogul به شمار می‌آید. انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، پرتغالی‌ها، فرانسوی‌ها و ارمنی‌ها در اینجا دارای دفتر تجاری (factory) هستند. پیش از این تجارت اینجا پرسود و پررونق بوده است. سورات ۱۶ مایل با بمبئی فاصله دارد.»

«روز یکشنبه بیست و پنجم، هنگام ظهر به قصد تعیین موقعیت، خود را در موضع رصدی مدار ۲۳ درجه و ۱۰ دقیقه شمالی قرار دادیم و هنگام غروب آفتاب ساحل یمن Arabia Flix را مشاهده کردیم. در اول مارس و در هنگام طلوع خورشید به خلیج فارس رسیدیم. هنگام ظهر در مدار ۲۵ درجه شمالی بودیم. بعد قایقی که به آن سی‌بر seebar می‌گفتند به آب انداختیم تا به مسقط برویم. روز چهارشنبه هشتم هنگام ظهر از cape Tasavis گذشتیم و وارد خلیج فارس شدیم. هنگام شب دچار باد بسیار شدیدی شدیم و مجبور گشتیم میان دو جزیره هرموز Ormus و لارک Larac لنگر بیندازیم. روز بعد ساعت یازده و هنگام صبح ما به سوی لنگرگاه بندرعباس رفتیم. در اینجا کشتی success را که یک کشتی جنگی متعلق به کمپانی هند شرقی بود پیدا کردیم. یکی از افسران آن به عرشه آمد

آیوز در فصل چهارم از جلد دوم سفرنامه خود به شرح اوضاع شمال عراق و از جمله تینوای باستانی و چگونگی ورودش به خاک ترکیه کنونی می‌پردازد. با این حال در فصل پنجم نشان می‌دهد که راه خود را به سوی شام ادامه داده است تا به شهر حلب می‌رسد. در فصول ششم و هفتم ادامه داستان سفر او را به قبرس رسانده است. سپس در فصل هشتم آیوز سفر در مدیترانه را به سوی اسپانیا بازگو می‌کند. سرانجام براساس آنچه در فصل نهم آمده است به انگلستان بازمی‌گردد و این آخرین فصل کتاب مربوط به سال ۱۷۵۹ م. (برابر با ۱۱۷۳ هـ. ق.) می‌باشد.

این سفرنامه دارای یک پیوست نیز هست که به توصیف گیاهان منطقه اقیانوس هند می‌پردازد. این مبحث آخرین مطلب سفرنامه او به شمار می‌آید.

اما مطالب مربوط به ایران و به زبان دقیق‌تر مربوط به خلیج فارس از صفحه ۱۹۴ تا ۲۲۲ جلد دوم را دربرمی‌گیرد که گزارش ترجمه آن تقدیم می‌گردد.



جلد اول سفرنامه آیوز شرح مسافرت  
دریابی او از انگلستان به هند و سپس  
از هند به بصره است. جلد دوم نیز  
شرح مسافرت زمینی او از بصره به  
طرف انگلستان به شمار می آید. در  
این دو جلد وی ضمن بیان مشاهدات  
هند و اقداماتی که انجام داده است به  
توصیف اوضاع طبیعی مناطق مختلف  
نیز علاقه نشان می دهد.

«روز یکشنبه بیست و ششم از نابند Narband<sup>۱</sup> گذشتیم. در اینجا پیش از این پرتغالی‌ها دفتر داشته‌اند (P205). روز بیست و هفتم به دماغه بردستان Vardistan<sup>۲</sup> که به فاصله زیادی از دماغه نابند Narban قرار دارد رسیدیم.»

در اینجا آیوز شرحی از شبه جزیره عربستان به دست می‌دهد. (p205-p206).

«روز بیست و هشتم کوه نمک<sup>۳</sup> را دیدیم که به فاصله زیادی از بردستان قرار داشت. اکنون در فاصله یک یا دو روز راه از جزیره خارک قرار داشتیم.»

آیوز در اینجا توضیح مفصلی درباره کنیپ‌هاوزن Kniphausen به دست می‌دهد. (P.207). همچنین شرح قابل توجهی از جغرافیای خارک و درختان آنجا و چگونگی صید مروارید ارایه می‌کند و از جایی به نام گران gran سخن می‌گوید.

سپس به توضیح مطالبی درباره جزیره بحرین می‌پردازد. «در دهشت dehdesht نزدیک بهبهان Babain که قسمتی از خاک ایران است و کوه گیلویه Cakelaun<sup>۴</sup> نام دارد Bitumen به دست می‌آید. کنیپ‌هاوزن مقداری از آن به من داد. (P217).»

آیوز همچنین در دنباله سفرنامه خود شرحی از خصوصیات عرب‌ها (P.217)، خصوصیات اخلاقی و اجتماعی ایرانی‌ها (P.218-219) و نیز شمه‌ای از تاریخ ایران و اخبار کریم‌خان، حسین‌خان، hamet خان (P221-222) به دست می‌دهد. پدیده‌ای به نام قلیان Hobble-Bubble نیز سخت توجه او را جلب می‌کند.

آیوز پس از خارک به بصره رفته و از آنجا به بین‌النهرین وارد شده است و از آن طریق به حلب و سپس به اروپا عزیمت کرده است.

\*\*\*

آنچه در فوق آمد گزارشی فشرده، گزینش شده و مختصر از سفرنامه آیوز بود که در اواخر قرن هجدهم انتشار یافت و پس

و خبر ناخوشایندی داد. او گفت که یک مرد فرانسوی به نام بریستول Bristol با سی توپ در هشتم ماه گذشته به بصره رسیده است. کاپیتان پرایس به ساحل رفت. همان روز ما به گمبرون رسیدیم. همراهان من نیز روز بعد به دنبال او رفتند. من تا دو روز بعد به دلیل کسالت نتوانستم کشتی را ترک کنم. الکساندر دو گلاس اسک Alexander Dauglas Esq کنسول ما در بمبئی در اینجا اقامت داشت...»

«گمبرون در پای کوه بلندی واقع شده است. به دلیل وضع خاص حرکت باد، در اینجا هوا بسیار گرم است و قابل تحمل نیست. وقتی که ما به آنجا رسیدیم، هلندی‌ها و انگلیسی‌ها دفاتری داشتند اما هیچ اروپایی دیگری اینجا ساکن نبود. این دو دفتر تنها ساختمان قابل توجه باقی مانده به شمار می‌آمدند. به دلیل جنگ داخلی و اغتشاشات این شهر ویران شده است و فقط Persian Gentoo Baian اینجا بوده‌اند، این در حالی است که شاردن شرح دیگری از اینجا داده است.»

«آقای دو گلاس در ایسین Assien<sup>۲</sup> در دوازده مایلی اینجا باغی دارد که خیار چنبر و پیاز و چیزهای دیگر در آن کاشته است...»

در ۲۴ مایلی از گمبرون چشمه آب گرم یا حمام<sup>۳</sup> وجود دارد. مردم اطراف برای معالجه از آن استفاده می‌کنند. در فاصله نیم مایلی از دفتر، یک درخت بنیان<sup>۴</sup> باشکوهی وجود دارد... (P.200) از ایسین آب شیرین با شتر برای دفتر آورده می‌شود. دفتر چند توپ به طرف صحرا و خشکی دارد (P201).»

«کشور ایران به دلیل جنگ داخلی پادشاه ندارد و اکنون چهار رقیب برای کسب قدرت مبارزه می‌کنند. اخیراً نفر پنجمی هم به آنها افزوده شده است که آزادخان Azetkhan نام دارد. اما او هم شکست خورد.»

«از وقایعی که اخیراً در نزدیکی ایسین رخ داد حمله سربازان نادرشاه به شیخی است که در اینجا است. این شیخ از طریق کرمان با دفتر تجاری هند و انگلیس تجارت دارد (P-201). ملاعلی<sup>۵</sup> فرمانروای گمبرون است و دو جزیره لارک و هرمز تابع او هستند. او ظاهراً سه کشتی در اختیار دارد که کاربردی ندارند. جزایر هرمز، لارک، قشم و دیگر جزایر سکنه ایرانی دارند.»

«غروب روز هفدهم مارس از گمبرون حرکت کردیم و روز نوزدهم به بندر کنگ Congo Bandar رسیدیم. اینجا قبلاً تجارت خوبی داشته است. پیش از این تجارت آنجا در دست پرتغالی‌ها بود. این بندر اکنون ویرانه است. در همان روز به لنگرگاه لنگه Ling رسیدیم. اینجا روستایی در نزدیکی کنگ است و از منازل سر راه ما به خارک به شمار می‌آید. لنگه ساکنان کمی دارد و فقط در بعضی جاها درخت خرما دیده می‌شود (P204). روز بیست و پنجم باد موافق می‌وزید. مقابل (جزیره) شیو Shewee گذشتیم.»

میرمهنا باشد که بسیار بعید است. باز هم سخنی از شورش میرمهنا نیست. حتی صورت تلفظ نام اخیر Mahmet نیز ترکی می‌نماید و اطلاق آن بر این چهره مشهور یعنی میرمهنا بسیار مشکل است.

از این ابهامات و پیچیدگی‌ها شاید بتوان به ارزیابی بهتری از نقش نیروهای سواحل شمالی خلیج فارس مانند دشتستان و بندر ریگ تا بندرعباس در تحولات آن دوره سخن گفت. اما این منبعی کامل نیست و با اتکای به دیگر منابع است که می‌توان سخنی روشن اظهار داشت.

#### توضیحات:

۱- جنگ‌های هفت ساله Seven years wars جنگ عمومی میان دولت‌های اروپایی بود که انگلیس و فرانسه طرف‌های اصلی آن به شمار می‌آمدند. (۱۷۶۳-۱۷۵۶م).

۲- ایسین = روستایی در نزدیکی بندرعباس است.  
 - آکس لاشاپل Axlachapel = نام مکان و نیز عنوان معاهده صلحی میان دولت‌های اروپایی است (۱۷۴۸م).  
 ۳- چشمه آب گرم (حمام) = منظور چشمه آب گرم گنو Genoo در شمال بندرعباس است.

۴- بنیان Banyan = نوعی درخت انجیر معابد است.  
 ۵- ملاعلی = منظور ملاعلی شاه، دریا سالار نادرشاه است.  
 ۶- نابند = در این نوشته به صورت Narband آمده - اینجا دماغه و خلیجی کوچک به همین نام است که در مشرق سیراف باستانی و در مجاورت بستانو Bostano قرار دارد.

۷- بردستان = در این نوشته به صورت وردستان -Vardes tan آمده است. اکنون روستایی در مجاورت بندر دیر Day-yer است. دماغه‌ای که بردستان در ابتدای ورودیه آن قرار گرفته و اکنون بندر دیر تمامی آن را دربر گرفته است در گذشته برای دریانوردی اهمیت داشت.

۸- کوه نمک = در این نوشته به صورت کوه‌های نمکی آمده اما در اصل نام آن کوه نمک است. این کوه در منطقه دشتی در استان کنونی بوشهر قرار دارد. سفیدی و بلندی آن راهنمای خوبی برای کشتی‌هایی بود که به موازات ساحل شمال خلیج فارس حرکت می‌کردند.

۹- کوه گیلویه = در سفرنامه آیوز به صورت Cake laun آمده است. حتی در منابع انگلیسی متأخر نیز این نام به صورت کهکلویی Kah - ke-loo-ei دیده می‌شود. منظور هم مردم و هم سرزمینی است که کوه گیلویه و بویراحمد نامیده می‌شود.  
 - در مورد منابعی که کتاب آیوز را مورد اشاره قرار داده‌اند به اثر جلال‌آل احمد در مورد خارگ، اثر قاسم یاحسینی در مورد میرمهنا و نیز اثر جان‌پری در مورد کریم‌خان مراجعه نمایید.

از آن تجدید چاپ نشده است. نسخ چاپی آن نیز نایاب است و پس از مدت‌ها جست‌وجو با مساعدت پرفسور چارلز ملویل نسخه‌ای از آن را در کتابخانه مرکزی دانشگاه کمبریج یافتیم که از ایشان تشکر می‌نمایم. این گزارش سریع نیز برای ارزیابی موضوعات و محتویات آن در همان کتابخانه تهیه شد. بر همین اساس نیز ترجمه‌ای کامل از قسمت ایران آن در دست پایان است که امیدوارم بتوانم به جامعه علمی کشور تقدیم نمایم.

استفاده از سفرنامه آیوز دارای مشکلاتی است از جمله آن‌که حروف به‌کار رفته در آن همان حروف رایج در زبان انگلیسی امروزی نیست. لذا تشخیص کلمات تا حدودی با اشکال روبه‌روست. دیگر آنکه اسامی را به درستی ضبط نکرده است. در مورد سواحل خلیج فارس چون این نگارنده خود پرورش یافته آن صفحات است توانسته بسیاری از اسامی را تشخیص دهد. در مواردی نیز به چنین امری توفیق نیافته‌ام. همچنین گزارش آیوز از اوضاع ایران چندان دقیق نیست.

آیوز در ۱۷۵۸ م. برابر با ۱۱۷۲ هـ. ق در بندرعباس بوده و این زمان حدود ۱۲ سال از مرگ نادرشاه می‌گذشت. اما او چنان سخن می‌گوید که گویی نادرشاه زنده است و از حمله سربازان او به ایسین خبر می‌دهد. هر چند می‌توان این سخن او را چنین تفسیر کرد که افشارها به جایی حمله کرده‌اند و سال‌ها پس از نادر جانشینان او با هم جدال کرده‌اند یا بقایای حکومت افشاریان در خراسان تا آغاز قاجاریه ادامه حیات داده‌اند. اما به هر حال گزارش او چندان دقیق نیست.

او همچنین در همین سال ۱۱۷۲ هـ. ق از رقابت کریم‌خان با چند تن دیگر می‌دهد. می‌دانیم که کریم‌خان از سال ۱۱۶۳ یعنی سال بعد از قتل نادر به‌خاطر حضور در رقابت‌های قدرت شهرت یافته بود. نیز تا سال ۱۱۷۱ هـ. ق قتل محمد حسن خان قاجار است دیگر کریم‌خان رقیب مهمی ندارد. لذا در سال ۱۱۷۲ هـ. ق از رقیبان کریم‌خان سخن گفتن چندان دقتی را از روی نشان آیوز نمی‌دهد.

مهمترین پدیده‌ای که در سفرنامه آیوز لازم است نقد شود گزارش او در مورد ماجرای میرمهنا یا بندر ریگی است. بعضی از محققان کوشیده‌اند از سفرنامه آیوز مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان منبعی در این باره سخن بگویند. اما در این سفرنامه به تفصیل و دقت سخنی در این خصوص نیست. کنیپ‌هاوزن احتمالاً در سال ۱۱۶۷ هـ. ق در خارک مستقر شد. آیوز در سال ۱۱۷۲ هـ. ق از خارک دیدن کرده است. از کنیپ‌هاوزن و خارک هم بسیار سخن می‌گوید. او در همان سال به بصره و سپس اروپا عزیمت کرده است. در حالی که میرمهنا در سال ۱۱۷۹ خارک را متصرف شد، هر چند می‌توان گفت که حسین‌خان مورد اشاره آیوز در جمع رقیبان کریم‌خان ممکن است میرحسین برادر میرمهنا باشد و شاید Mahmet خان مورد اشاره او ممکن است